

انقلاب بزرگ در علم روانشناسی

از آغاز قرن بیست روانشناسی در سیر دیگری می افتد و رفلکسولوژیست های روسی «پاولوف» و «بشتریو» با انجام یک رشته تجربیات بسیار مفصل و طولانی موفق به کشف رفلکس های شرطی و مکانیسم تشکیل قضایای روحی شده، روانشناسی را به صورت یک علم کاملاً منطقی و تجربی در باره شناخت رفتار انسانی در می آورند. این روانشناسی که مبتنی بر تجربیات علمی و از نظر مبانی تئوری و متدولوژی متکی بر ماتریالیسم دیالکتیک می باشد حد غائی تکامل روانشناسی تا به امروز است.

روانپزشکی و روانشناسی غیر متعارف، افراد متعارف و غیر متعارف، وضع دیوانگان و بیماران روانی در قدیم، آراء «پل نل»، بیماری های روانی و انواع آن، سیر روانپزشکی و پسیکیاتری، مسمریسم، مانیه نیسم، هیپنوتیسم، مکتب پاریس و مکتب ناسی.

ظهور فرویدیسم

از آنجا که روانشناسی فروید، روانشناسی افراد غیر متعارف است و پسیکانالیز او روش تداوی اینگونه افراد، لذا ذکر کلامی چند در مورد سیر روانشناسی افراد غیر متعارف و بعضی اصطلاحات علم روانپزشکی بی مورد نخواهد بود. افراد غیر متعارف یا بیماران روانی به خصوص مبتلایان به انواع شدید آن یعنی دیوانگان از قدیم مورد تمسخر و تحقیر مردم واقع می شدند. انسان های به اصطلاح متعارف با آنها مثل حیوانات رفتار می کردند، ایشان را به غل و زنجیر می کشیدند و برای آرام کردنشان از کتک استفاده می کردند. معتقد بودند شیطان و یا ارواح خبیثه در قالب آنها حلول کرده است. این وضعیت اسف انگیز که ناشی از عدم پیشرفت علوم و طرز فکری غلط بوده است، متأسفانه تا قرون جدید نیز دیده می شود. حتی پزشکان نیز که علتی برای این بیماری ها نمی یافتند آنها را غیر قابل علاج و کیفیتی ماوراءالطبیعی می دانستند. روانشناسی نیز چنانکه قبلاً اشاره شد هنوز به صورت علم رفتار در نیامده و اسیر و روح مجرد بود. تا اینکه در اواخر قرن هجدهم «پی نل» پزشک بزرگ فرانسوی که پدر روانپزشکی و پسیکیاتری به شمار میرود اعلام کرد دیوانگی نیز یک نوع بیماریست و با دیوانگان نیز باید مثل دیگر بیماران با مهربانی و ملاحظت رفتار کرد.

«پی نل» که به ریاست تیمارستان بزرگ «سال پتیر» پاریس رسیده بود دستور داد تا غل و زنجیر را از پای آن بیماران تیره روز باز کنند و خود از سال ۱۷۹۳ به معالجه بیماران روانی پرداخت.

در ابتدا «پی نل» و سپس «اسکیروول» وعده ای دیگر انواع بیماری های روانی را طبقه بندی کردند و آنها را به طور کلی تحت دو دسته: بیماری های روانی با منشاء عضوی و بیماری های روانی با منشاء غیر عضوی (بیماری های عملی یا کنشی)، مورد مطالعه قرار دادند. بیماری های با منشاء عضوی (ارگانیک) آن دسته از اختلالات روانی است که در اثر ایجاد ضایعه یا ضایعاتی در مغز به شخص عارض می شود. مطالعه این گونه بیماری ها خاص نورولوژی است.

بیماری های عملی یا کنشی (فونکسیونل) آن نوع اختلالات روانی است که در آن هیچ گونه ضایعه عضوی در سیستم عصبی شخص دیده نمی شود. مطالعه و درمان اینگونه عوارض خاص روانپزشکی است.

نوروزها که در فارسی «اختلالات روانی» نامیده می شوند، بیماری های روانی نسبتا خفیفی هستند که منشاء عملی (فونکسیونل) دارند و مبتلایان به آنرا نوروتیک می خوانند. علائم آن معمولا خستگی مفرط، نورآستی، کم شدن حافظه و فراموشی، اختلالات حسی و حرکتی (هیستری) و یا اضطراب های غیر طبیعی (نوروز اضطرابی) است. نوروتیک ها به حال خود آگاه هستند و خطرناک محسوب نمی شوند.

«فروید» چنانکه بعدا خواهیم دید علت این بیماری ها را ناسازگاری های درون شخصیت می داند که منشاء جسمی دارند. حال آنکه نوروزها صرفا منشاء جسمی نداشته و در اثر ناسازگاری شخص با محیط، در شرایط خاص بوجود می آیند.

پسیکوزها را که شامل اختلالات شدید روحی است در فارسی «بیماری های روانی» اصطلاح کرده اند. مبتلایان به این عارضه را پسیکوتیک (بیمار روانی) و در اصطلاح عام «دیوانه» می نامند.

پسیکوتیک ها برعکس نوروتیک ها به هیچ وجه به وضع خود شعور ندارند، در جهان واقع، نبوده و در میان اوهم خود زندگی می کنند، این بیماران اغلب خطرناکند.

بعضی از پسیکوزها منشاء عضوی دارند. مثل جنون پیری، جنون الکلی و غیره و بعضی منشاء عملی دارند- تا به امروز علل عضوی برای آنها نیافته اند- مانند اسکیزوفونی و پسیکوزماتیک- دپرسیون.

بهر حال از زمان «پی نل» به بعد بتدریج روانپزشکی و روانشناسی بهم آمیخت و متدهای مختلف برای معالجه نوروزها و پسیکوزها عرضه شد. ریشه این روش ها را باید از زمان «مسمر» جستجو کرد.

«آنتوان مسمر» یک پزشک اتریشی در نیمه دوم قرن هجدهم بود که از آهن ربا برای معالجه بیماران خود به خصوص بیماران روانی استفاده می کرد. روش او مبتنی براین عقیده قدیمی بود که آهن ربا همانطور که آهن را به خود جذب می کند طبعا دردها و بیماری ها را نیز از جسم و روح انسان بیرون می کشد.

«مسمر» مدتها با کمک مغناطیس به تجربه پرداخت و نتایج مثبتی در معالجه امراض روانی کشفی به دست آورد.

تجارب بعدی «مسمر» به او ثابت کرد که دست خود او نیز همان کار آهن ربا را انجام می دهد و از آن پس بود که به هانیه تیسم حیوانی یا انسانی معتقد شد. بر طبق نظریه او سیاله هادی قابل انتقالی شبیه قوه مغناطیسی از عامل (پزشک) به معمول (بیمار) منتقل شده و سبب شفای بیمار می گردد.

در آنزمان چون هنوز به ماهیت تلقین و تاثیر آن در معالجه بیماران روانی پی نبرده بودند لذا به روش او که توجیه آن غیر منطقی می نمود توجهی نشده و حتی او را فردی شیاد خواندند. با اینحال مسمریسم سبب جلب توجه پزشکان و روانشناسان به بیماری های روانی میشود.

بعدها یکی از شاگردان «مسمر» بنام «دوپوزکور» در حین اجرای پاس های دست برای معالجه یک بیمار حالت خواب و اغماء را در او مشاهده می کند و از این راه موفق به کشف خواب مصنوعی می شود. ولی آنرا از تجلیات مانیه تیسم می شمارد و خواب مغناطیسی نام می گذارد. تا اینکه در اوایل قرن نوزدهم روانپزشکانی چون «برید» و «برتراند» اعلام می کنند که خواب مصنوعی معلول انتقال سیاله ای هادی نیست و کیفیتی روانی به شمار می رود. «برتراند» پس از یک رشته تجربیات اعلام کرد، استمرار دقت و توجه و تمرکز قوا روی یک موضوع شخص را خسته و کسل کرده و به خواب مصنوعی فرو می برد.

هیپنوتیسم از اوائل قرن نوزدهم اهمیت زیادی پیدا می کند و در معالجه بیماران روانی- و حتی تا قبل از کشف داروهای شیمیائی بیهوش کننده، در جراحی ها- به کار میرود.

به دنبال استعمال هیپنوتیسم در معالجه نوروزها مکاتب مختلف روانپزشکی و روانشناسی غیر متعارف در کشورهای اروپایی بوجود می آید که از معروف ترین آنها میتوان مکتب

نانسی و مکتب پاریس را نام برد که هر دو در اینجا تکامل نظریات «فروید» سهم به سزایی داشته اند. از مدافعین بزرگ مکتب پاریس «شارکو» و «ژانه» بودند که علت عمده بیماری ها و عدم اعتدال شخصیت به ویژه هیستری را، استعداد موروثی و ضربات روحی و فقدان نیروهای روانی میدانستند. مکتب نانسی که از بزرگان آن «لی بو»، «برنهایم» و «کوئه» را می توان نام برد، برعکس مکتب پاریس توجهی بعقل بدنی بیماران روانی نداشت و هیپنوتیسم و تلقین را بهترین وسیله معالجه امراض روانی می دانست. به این ترتیب روانپزشکی در سیر تکاملی خود جریان داشت تا اینکه در اواخر قرن نوزدهم «فروید» ظهور کرده و با نظریات خود انقلابی در عالم روانشناسی و روانپزشکی ایجاد می کند.

راه توده ۱۹۳ - ۰۸,۰۹,۲۰۰۸